

عوامل داخلی و خارجی شکل‌گیری بحران یمن؛ موضوع نشست گروه خلیج فارس

روز چهارشنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۵، گروه مطالعات خلیج فارس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نشستی را با موضوع «عوامل داخلی و خارجی شکل‌گیری بحران یمن» برگزار کرد. در این نشست که با حضور اعضای گروه خلیج فارس و مدیریت دکتر سید جواد صالحی، مدیر گروه خلیج فارس برگزار شد، آقای «محمد علی بک» کارشناس مسائل خاورمیانه به عنوان سخنران این نشست به بررسی تحولات یمن از سال ۲۰۱۱ پرداخت.

تاریخچه یمن

پیرامون بحث اول باید گفت که یمن بعد از عربستان دومین کشور بزرگ شبه جزیره عرب هم از لحاظ مساحت و هم از لحاظ جمعیت است. مساحت این کشور تقریباً ۵۳۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲۶ میلیون نفر دارد، از لحاظ موقعیت جغرافیایی نیز از شمال به عربستان سعودی، از شرق به عمان و از جنوب و غرب به دریای عمان، بحر عرب و باب المندب راه دارد.

اهمیت ژئوپلیتیک یمن بواسطه اشراف آن بر باب المندب همیشه مورد نظر کشورهای تاثیرگذار بوده است. اهمیت باب المندب بر همگان روشن است و اشراف یمن هم بر این تنگه بسیار تاثیرگذار بوده به همین دلیل است که مصر به خاطر استفاده از کانال سوئز که برای این کشور حیاتی است، گوشه چشمی به یمن و تحولات یمن داشته، تا جایی که ما شاهدیم که در دهه ۱۹۶۰ «جمال عبدالناصر» برای برقراری حکومت جمهوری در

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

یمن به آن کشور لشکرکشی می‌کند و هزاران نفر هم کشته می‌دهد و سرانجام مجبور به ترک این کشور می‌شود.

اهمیت وضعیت یمن برای عربستان و سایر کشورهای منطقه هم به همین صورت تعیین کننده است.

مذهب مردم یمن بنابر ارقام اعلام شده بین ۳۵ تا ۵۰ درصد زیدی مذهب هستند، تقریباً حدود کمتر از ۵۰ درصد شافعی اهل سنت هستند و تعدادی خیلی اندکی هم از سایر مذاهب در این کشور حضور دارند.

مذهب زیدی به مذهب چهار امامی معروف است و معتقد هستند که «زید بن علی» فرزند امام سجاد(ع)، بعد از امام سجاد امامت را برعهده داشته در حالی که شیعه اثنا عشر معتقد است که بعد از امام سجاد حضرت امام «محمد باقر»(ع) امام پنجم ما بوده است و به این خاطر از سایر شیعیان جدا شدند. با این وجود احکام آنان به احکام شیعه های اثنا عشری بسیار نزدیک است و حتی در بین آنها افرادی هم وجود دارند که به شیعه اثنا عشری نزدیکند و به احکام آنان نیز معتقدند.

سیستم حکومتی یمن هم به صورت جمهوری و همراه با پارلمان است. یمن دو پارلمان دارد که یک مجلس شورا است و دیگری مجلس سنا. بر اساس قانون اساسی رئیس جمهور بر اساس رای گیری مستقیم مردم روی کار می‌آید. اما آنچه که ما در یمن شاهد بودیم از ابتدای روند جمهوری تاکنون، کسی که قدرت بیشتری داشت به هر نحوی که شده رای مردم را اخذ می‌کرد و رئیس جمهور می‌شد. چنانچه «علی عبدالله صالح» تقریباً قریب به ۳۳ سال بر یمن حکومت کرد و رئیس جمهور بود. و هر ۷ سال یکبار هم انتخابات برگزار می‌شد و وی به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شد. در واقع این انتخابات صوری در قانون اساسی این کشور است و به هر حال برگزار می‌شود.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

ارتباط ایران با یمن از زمان قبل از اسلام است. اگر به تاریخ ایران برگردیم می بینیم که حاکم یمن از طرف «کسری» پادشاه ایران تعیین شده بود و حتی زمانی که پیامبر(ص) نامه ای فرستادند برای دعوت کسری به اسلام، و وی به حاکم وقت یمن فرستاده ای اعزام کرد و خواست که اگر اطلاعاتی بیشتری از پیامبر جدید دارد برای وی تهیه و ارسال کند.

علی رغم همه این فراز و نشیب ها همیشه یمن از دیرباز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و این ارتباط تاریخی بین ما وجود داشته و بعد هم به مرور زمان این ارتباط بیشتر شده و بعد از انقلاب اسلامی هم با تاکید بیشتر و با توجه به گرایش که خود یمنی ها داشتند به خصوص قشر زیدی یمن این علقه ها و ارتباطات روز به روز بیشتر شده است.

در ابتدا باید دید که بازیگران صحنه سیاسی یمن چه کسانی هستند. این بازیگران در واقع به چند دسته تقسیم می شوند. یک سری بازیگران داخلی یمن هستند، یک سری بازیگران منطقه ای و یک سری هم بازیگران بین المللی در خود این منطقه. در بحث بازیگران داخلی یمن اگر بخواهیم به ترتیب اولویت و اهمیت بشماریم، شاید بتوان اولین بازیگر داخلی را قبایل عنوان کرد و بعد از آن احزاب و سپس شخصیت های تاثیرگذار در یمن هستند که مطرح می شوند.

یمن در واقع کشور قبیله ای است و با همان صفت های کشورهای عربی و کشورهای بدوی که از قبل بوده، این کشور هنوز به صورت قبایلی اداره می شود و تصمیم گیرنده بسیاری از مسائل در یمن قبایل هستند. این تصمیم گیرها نیز به نفوذ، قدرت، ثروت و اهمیت آن قبیله در یمن بستگی دارد. به این لحاظ هم اکنون نیز بعضی از قبایل که در یمن بسیار تاثیرگذارند. به طور مثال قبیله «حاشد» قبیله ای است که خود علی عبدالله

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

صالح و خاندانش از این قبیله هستند و در ۳۰ سال گذشته در یمن تعیین کننده بوده اند. قبیله بنی حشیش، قبیله مرادی، قبیله حمدان، قبایل مختلفی هستند که هر کدام نقش‌های متفاوتی را در یمن ایفا می‌کنند.

در حال حاضر حوثی‌ها نیز یک قبیله و در واقع بخشی از زیدی‌ها در این کشور هستند، اما به نحوی اهمیت دارند که می‌توان همه زیدی‌ها را به عنوان حوثی‌ها شناخت. از ۳۵ تا ۴۰ درصد زیدی‌هایی که در یمن هستند شاید با اغماض خیلی زیاد بتوان گفت که ۸ درصد آنها را حوثی‌ها تشکیل می‌دهند و بقیه قبایل زیدی هستند. حتی خود «علی عبدالله صالح» رئیس جمهوری سابق یمن هم زیدی مذهب است. یا به طور مثال قبیله حمدان قبیله‌ای است که در بین آنها شیعیان بسیار متعصبی وجود دارند چون خود بنی حمدان قبیله‌ای بود که در کربلا به یاری امام حسین(ع) به پا خاستند و بخشی از شهدای کربلا نیز از قبیله بنی حمدان هستند.

در حال حاضر در جنگ کنونی همه به دنبال این هستند که ببینند چگونه می‌توانند با این قبایل ارتباط برقرار کنند و آنها را به صورت همپیمان برای خودشان حفظ کنند. چرا که این امری بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده است چنانچه هم اکنون انصارالله نیز به دنبال این است که چگونه با قبائل ارتباط برقرار کرده و از آنها عضوگیری کند تا در مقابله با طرفداران منصور هادی و یا در مقابل عملیات‌های سعودی‌ها خود را حفظ کند. لذا قبائل در یمن نقش بسیار موثر و تعیین کننده‌ای دارند.

احزاب دومین بازیگر داخلی یمن هستند، عمدتاً این احزاب برگرفته از خود قبایل و یا شخصیت‌های دیگری در خود یمن هستند. اگر بخواهیم احزاب تاثیرگذار را در یمن برشمردیم مهم‌ترین آنها حزب کنگره «موتمر» است که دبیر کل آن علی عبدالله صالح است و زمانی که علی عبدالله صالح رئیس جمهور شد حزبی را به عنوان

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

حزب کنگره و با مشارکت بسیاری از فرماندهان لشگری و کشوری یمن تشکیل داد. و در واقع این حزبی است که کاملاً به دولت علی عبدالله صالح تعلق دارد.

بعد از آن حزب اصلاح مطرح است که به عربستان سعودی گرایش داشته و دیدگاه سلفی است. آنها شافعی مذهب هستند و با توجه به تغذیه ای که از سوی عربستان شده اند در طول چند سال گذشته در صحنه سیاسی یمن بسیار تعیین کننده بوده اند.

بعد از آن حزب الحق است که متعلق به زیدی هاست. شاید بالاتر از اینها حزب حراک جنوب است که متعلق به جنوب یمن است. باید در اینجا این مطلب را خاطر نشان کنم که یمن تا سال ۱۹۹۱ دو کشور بود یعنی یمن جنوبی و یمن شمالی. بعد از جنگ مصر علیه یمن آنها توانستند جمهوری را در یمن تشکیل بدهند. از آن تاریخ یمن به دو قسمت یمن جنوبی و شمالی تبدیل شد و تا سال ۱۹۹۱ این وضعیت ادامه داشت ولی یمن جنوبی بعد از فروپاشی شوروی در یمن شمالی ادغام شد و عملاً یک کشور با نام جمهوری یمن تشکیل شد.

این حزب حراک در حقیقت وابسته به جنوب یمن بوده و انشعابات مختلفی دارد. یعنی کماکان عده ای از آنها به دنبال جدایی هستند و به عنوان جدایی طلبان یمن مطرح می شوند. سردسته آنها سالم البیض علی، عبدالرحمن جعفری و ... هستند. که در واقع رهبران جز احزاب جدایی طلب در حراک یمن محسوب می شوند و به دنبال فدراتیو کردن یمن می باشند. آنها معتقدند که یمن را می شود به صورت فدراتیو اداره کرد. مثل رئیس جمهور اسبق یمن، بنابراین پیگیرانه به دنبال فدراتیو کردن یمن هستند.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

بعد از آن حزب سوسیالیست‌ها و اشتراکی‌های یمن جنوبی هستند. که دنباله رو حزب بعث ناصری یا در حقیقت حزب بعث جناح سوری هستند و به حزب بعث ایجاد شده در سوریه گرایش دارند. بخش دیگر حزب ناصری هستند که دیدگاهی تقریباً متمایل به حزب سوسیالیستی دارند.

این ۵ حزب که به عنوان لقا مشترک در یمن شناخته می‌شوند. در واقع آنها در زمان علی عبدالله صالح اپوزیسیون بودند که در خارج از دولت به عنوان اپوزیسیون در یمن فعالیت می‌کنند.

بازیگران سوم در یمن شخصیت‌های بزرگ هستند که از جمله آنها «علی ناصر محمد» است که آخرین رئیس جمهور یمن جنوبی است و کماکان بخشی از حزب حراک را هدایت می‌کند. این شخصیت‌ها در روند تحولات یمن تاثیرگذارند. البته باید افزود یک سری از این شخصیت‌ها سیاسی هستند و تعدادی نیز شخصیت‌های مذهبی، هستند. مثلاً خود علی عبدالله صالح شخصی که فی‌نفسه در روند تحولات تاثیرگذار می‌باشد سیاسی است. شیخ عبدالمجید زندانی، شخصیت مذهبی است که وابسته به حزب اصلاح بوده و در روند تحولات تاثیرگذار است. علی ناصر محمد در جنوب علی سالم البیض، و همه این‌ها از جمله شخصیت‌های تاثیرگذار هستند.

اما بازیگران منطقه‌ای در یمن عبارتند از به طور خاص عربستان سعودی و به طور عام شواری همکاری خلیج فارس. یعنی این دو را شاید بتوان به گونه‌ای با هم و در کنار هم عنوان کرد. شورای همکاری در واقع مجموعه کشورهای است که در کنار یمن و عربستان سعودی هستند.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مصر کشور دیگری است که خارج از این منظومه بر تحولات یمن تاثیرگذار است و تحولات یمن را رصد می‌کند و سومین قدرت تاثیرگذار ایران است. با توجه به ارتباطاتی که وجود دارد ایران بر تحولات یمن تاثیرگذار است و یکی از بازیگران یمن محسوب می‌شود.

دو کشوری که نتوانستند به شورای همکاری اضافه شوند یکی عراق و دیگری یمن است. علت اصلی این مسئله را که این دو کشور نتوانستند جذب شوند شاید بتوان اینگونه تفسیر کرد که این دو کشور جمهوری هستند اما شش کشور دیگر به عنوان کشورهای ملکی و پادشاهی هستند. یعنی هیچ سنخیتی از لحاظ سیستم حکومتی با یمن و عراق ندارند. گرچه رئیس جمهور در یمن و عراق در دوره صدام همان نقش پادشاه را در این دو کشور ایفا کردند، صدام حسین ۲۵ سال رئیس جمهور عراق و علی عبدالله صالح ۳۳ سال رئیس جمهور یمن بود، ولی با این حال عنوان حکومتی این‌ها جمهوری بود و با این سیستم نتوانستند در شورای همکاری خلیج فارس جذب شوند.

بازیگران سوم در واقع بازیگران بین‌المللی هستند که آمریکا در فهرست اول این بازیگران است و علت آن هم تقریباً مشخص است. در دوره کنونی آنچه برای آمریکا اهمیت دارد بحث تروریسم است. چون اولین ضربه‌هایی که القاعده به آمریکا وارد کرد در یمن بود. حمله به یک کشتی جنگی آمریکایی در یکی از بنادر نزدیک به یمن توسط القاعده اولین اقدامی بود که القاعده علیه آمریکایی‌ها انجام داد. در حالی که القاعده در یمن حضور فعالی دارد. یمن و کنترل آن برای آمریکایی‌ها هم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بازیگر سوم اروپاست چرا که اروپایی‌ها هم کماکان این تهدید را از جانب یمن احساس می‌کنند که احتمال دارد آنها نیز ضرباتی را از القاعده دریافت کنند.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اتفاقی که سال گذشته در فرانسه افتاد (واقعه شارلی ابدو) در واقع مرکز فرماندهی اش در یمن بود و القاعده نیز اعلام کرد که این عملیات در یمن فرماندهی شده است. در حقیقت باید گفت که فرماندهی القاعده در شبه جزیره عرب در یمن مستقر است و مناطق مختلفی را هم در اختیار دارد.

یکی از بازیگران فرمانطقه ای که کماکان در یمن حضور فعال دارد، انگلیس است. چرا که انگلیس از قدیم الایام در عدن بواسطه باب المندب و نیروی دریایی که داشتند و می خواستند از طریق آن در مناطق مختلف دنیا حضور پیدا کنند برای این کشور اهمیت بسیاری دارد. این کشور کماکان هم به دنبال جدایی یمن به دو کشور یمن جنوبی و یمن شمالی است.

کشور دیگری که از قبل تاثیرگذار بوده و الان تا حدودی افت پیدا کرده روسیه است، روسیه با توجه به گرایش های سوسیالیستی که در داخل یمن جنوبی بود، اهرم و اراده کافی برای گسترش کمونیسم در منطقه و خلیج فارس را داشت. یکی از دلایلی که از زمان یمن جنوبی عملیات علیه سلطان قابوس و در منطقه ظفار اتفاق افتاد و شورشیان از یمن جنوبی به طرف سلطنت عمان گسیل شدند، حمایت های جمال عبدالناصر و بعد از آن روس ها بود و در واقع می خواستند سیستم خودشان را در این مناطق پیاده کنند و به همین دلیل بود که ایران در زمان شاه، با ایستادن در مقابل شورشی های ظفار، سلطان قابوس را حفظ کرد.

آغاز تحولات یمن از سال ۲۰۱۱

بحث دوم آغاز تحولات یمن از سال ۲۰۱۱ است. در سال ۲۰۱۱ علی عبدالله صالح فردی که توانسته بود ۳۳ سال حاکمیت خود را در یمن حفظ کند. بعد از آغاز بیداری اسلامی و روندی که در یمن اتفاق افتاد، تحت فشار قرار گرفت. در این میان با جرقه اعتراضاتی که زده شد، حزب اصلاح با سرمایه ای که داشت توانست

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مردم را به خیابان‌ها بکشاند و لذا تظاهرات گسترده‌ای برپا شد و بعد از سه ماه با تشدید تظاهرات و تحصن در میدان «تغییر» یمن و تحصنی که شکل گرفت در نهایت آنها توانستند علی عبدالله صالح را وادار به انتقال حکومت کنند.

در این بین روند به شکلی پیش می‌رفت که کشورهای شواری همکاری خلیج فارس احساس می‌کردند که تغییرات ساختاری که در مصر و در تونس در حال شکل‌گیری است در مرحله اول برای عربستان و در مراحل بعدی برای کشورهای منطقه بسیار خطرناک خواهد بود. بنابراین طرحی به نام ابتکار عمل شورای همکاری خلیج فارس تهیه کردند که طی آن و مطابق بند اول علی عبدالله صالح از ریاست جمهوری کنار برود و قدرت خودش را به معاونش که در آن زمان «منصور هادی» بود منتقل کند. این کار انجام شد و در این راستا طراحی‌های مختلفی هم شکل گرفت و حتی تلاش شد که علی عبدالله صالح ترور شود که موفق نبود. ولی انتقال قدرت صورت گرفت و ابتکار عمل در شواری همکاری خلیج فارس در سازمان ملل تبدیل به قطعنامه لازم‌الاجرا شد.

یکی از بندهای این ابتکار عمل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود که در حقیقت به صورت فراندوم صورت گرفت و بر اساس آن منصور هادی به عنوان تنها رئیس‌جمهور و تنها فرد کاندیدا در صحنه سیاسی آرا را کسب کرد. حدود ۵۰ درصد در انتخابات شرکت کردند و از آن ۵۰ درصد تقریباً ۹۸ درصد به منصور هادی رای دارند و عملاً وی به مدت دو سال در یمن رئیس‌جمهور شد.

یکی دیگر از ابتکارات شواری همکاری تشکیل کنفرانس گفتگوهای ملی بود. که وظیفه آن تجدید نظر همه جانبه در قانون‌های ملی و تعریف سیستم حکومتی در مورد آینده یمن بود.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

همه این‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نزدیک به ۵۰۰ نفر از احزاب مختلف تعیین شدند. هر حزب یک سهمیه ای داشت. به این ترتیب کنفرانس تشکیل شد و در حقیقت در سال ۹۳ با پایان این کنفرانس گفتگوی ملی یک سری مصوبه شکل گرفت که مهم‌ترین مصوبه آن تشکیل دولت یمن بر اساس شش اقلیم (ایالت) بود. حوثی‌ها نسبت به منطقه جغرافیایی که برای آنها ترسیم شده بود تحفظ داشتند.

دومین بند، تمدید ریاست جمهوری هادی به مدت یکسال بود که این هم انجام شد و سومین مورد تبدیل دولت وفاق ملی به ریاست نخست وزیر وقت آن زمان بود که تشکیل نیز شد. حزب کنگره ۵۰ درصد در آن سهم داشت و ۵۰ درصد دیگر نیز بین بقیه احزاب تقسیم می‌شد.

این‌ها بندهای مختلفی بود که در ابتکار عمل شواری همکاری مد نظر قرار گرفت و اجرا شد. تقریباً در اواسط تابستان ۹۳ دولت مصوبه ای را به اجرا در آورد، مبنی بر حذف یارانه و افزایش قیمت سوخت در یمن که در حقیقت قیمت سوخت در یمن را بسیار افزایش می‌داد و این برای مردم یمن که یکی از کشورهای فقیر منطقه محسوب می‌شود قابل قبول نبود. اما گفتنی است که تقریباً شش ماه قبل از سال ۹۳ انصارالله قدرت گرفت و از شمال شروع به حرکت کرد و در منطقه دماج که منطقه خود عربستانی‌ها هم بود ورود پیدا کرد و سلفی‌ها تقریباً از منطقه دماج خارج شدند و به تدریج انصارالله جلوتر آمد و به جایی رسید که شهر «عمران» در ۲۰ کیلومتری صنعا را به تصرف در آورد و وارد عمران شد و منطقه قبیله هاشم را در اختیار گرفت و در نزدیک صنعا در آنجا مستقر شد.

تقریباً در اواخر تابستان ۹۳ بود که موضوع افزایش قیمت سوخت اعلام شد. انصارالله از این فرصت استفاده کرد و اعلام کرد که ما با افزایش قیمت سوخت مخالفیم و به این ترتیب تظاهراتی را در خود صنعا سازماندهی

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کرد. علی عبدالله صالح هم که به هر صورت از ماجرای انتقال قدرت در یمن زخم خورده بود، فرصت را غنیمت شمرد و با همراه شدن انصارالله و تظاهرات گسترده ای را در صنعا ترتیب یافت و عملاً کار به جایی رسید که انصارالله اعلام کرد سه خواسته دارد و تا این سه خواسته اجرا نشود از تظاهرات دست برنخواهد داشت. این سه خواسته عبارت بودند از: ۱- لغو افزایش قیمت سوخت؛ ۲- تغییر دولت؛ ۳- مبارزه با فساد موجود در حکومت.

با این سه شعار که انصارالله در داخل حکومت اعلام کرد توانست منصور هادی را مجبور به تغییر دولت کند و با استعفای نخست وزیر دولت وفاق دولتی به ریاست «خالد بحاح» تشکیل شد که تقریباً تا دو هفته قبل از آن نخست وزیر و معاون رئیس جمهور بود. بدین ترتیب توافق نامه ای بین انصارالله و احزاب انصارالله با منصور هادی با عنوان موافقت نامه صلح و شراکت که در آن امضا شد که دولت تغییر پیدا کند و بحاح نخست وزیر شود و یک سری اقدامات دیگری به تبع آن به اجرا درآید.

این در واقع مرحله آغازی بود طی آن انصارالله توانست بر صنعا حاکم بشود و با انتصاب دو نفر به عنوان مشاورین رئیس جمهور با نامهای «مهدی مشاط» و «صالح السماط» فشارهای انصارالله به منصور هادی را برای تغییر سیاست آغاز کند. در نهایت منصور هادی به واسطه اقداماتی که رئیس دفترش احمد بن عوض مبارک انجام داد و اینکه خواست کودتایی علیه حکومت انجام بدهد بازداشت شد و در کاخ ریاست جمهوری محبوس گردید و نهایتاً نیز استعفا داد. گفته می شود وی با طرحی که از سوی انگلیسی ها انجام شد از کاخ ریاست جمهوری فرار کرد و به عدن گریخت و در آنجا مستقر شد و اعلام کرد که من استعفای خود را پس می گیرم و همچنان رئیس جمهور هستم.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

متعاقب فرار منصور هادی انصارالله یک بیانیه ای تحت عنوان بیانیه قانون اساسی صادر کرد که در آن دو مجلس یمن منحل و شورایی تحت عنوان شورای انقلاب از احزاب مختلف تشکیل شد و عملاً حکومت در اختیار شورای انقلاب قرار گرفت. قبل از آن نیز یک سری گفتگوهایی در خود یمن برای تعیین تکلیف وضعیت انجام شده بود، چرا که دوره یکساله ریاست منصورهادی در حال تمام شدن بود و احزاب یمنی برای تشکیل دولت در حال گفتگو بودند که این مشکلات به وجود آمد و در نهایت منصور هادی در عدن مستقر شد و شورای همکاری خلیج فارس سفارت خانه های خودش را به عدن منتقل کرد.

در حقیقت یک خلا سیاسی در یمن بوجود آمد. چرا که رئیس جمهور استعفا داده بود، انصارالله سیستم های حکومتی را منحل اعلام کرده بود و این شکاف سیاسی و یا این خلأ سیاسی باعث ایجاد مشکل در خود یمن شده بود. در نهایت انصارالله این استنباط را داشت که به سوی عدن حرکت کند و تکلیف وضعیت رئیس جمهور را مشخص کند یعنی یا او بازداشت شود و یا فرار کند تا وضعیت داخلی یمن به حالت منسجمی برسد. سرانجام انصارالله وارد عدن شد و آن را تحت کنترل قرار داد. در واقع این روندی بود که در طی آن تحولات بعد از کنار گذاشتن علی عبدالله صالح تا در اختیار گرفتن عدن از سوی انصارالله اتفاق افتاد.

در تاریخ ۶ فروردین عربستان سعودی عملیاتی نظامی را با همراهی ائتلافی شامل ۹ کشور به یمن آغاز کرد ولی عمان با اعلام بی طرفی وارد این ائتلاف نشد. در این وضعیت سعودی ها یک جنگ همه جانبه ای را علیه یمن آغاز کردند و آنها از این جنگ سه هدف اعلام شده را که به شرح ذیل است، تعقیب می کردند.

۱- بازگرداندن منصور هادی به صورت مشروع و قانونی به آن کشور؛ ۲- از بین بردن ذخایر و یا امکانات حوثی ها به عنوان گروه های شورشی در یمن؛ ۳- کاهش نفوذ ایران در داخل یمن.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اما اکنون که تقریباً ۱۳ ماه از جنگ می‌گذرد و سعودی‌ها به هیچکدام از اهدافی که به دنبال آن بودند دست پیدا نکردند. شاید اگر بخواهیم به صورت خلاصه دستاوردهای سعودی‌ها را از این جنگ بررسی کنیم می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ویران کردن همه زیرساخت‌های یمن؛ یمن کشوری نبود که امکانات و زیرساخت‌های قوی داشته باشد اما هر آنچه داشت نیز در عملیات نظامی سعودی‌ها از بین رفت.

- کشتار مردم یمن، قریب به ۱۳ هزار نفر از مردم یمن در این جنگ کشته شدند که در این میان تقریباً ۶ هزار نفر زنان و کودکان بوده‌اند. در واقع آنها قصد داشتند که انبار سلاح‌های یمن را از بین ببرند. ولی در همان روز دومی که سعودی‌ها عملیات خود را علیه یمن آغاز کردند طوفان شن شدیدی آغاز شد و کلاً مناطق پوشیده از شن شد و در این فرصت انصارالله توانست سلاح‌های خود را به مکان دیگری منتقل کند.

- کاهش اعتبار بین‌المللی عربستان؛ عربستان بعد از جنگ یمن اعتبار بین‌المللی‌اش کاهش پیدا کرده است. ما شاهد هستیم که هر روز در رسانه‌های غربی مقاله‌های مختلفی بر ضد اقدامات دولت سعودی منتشر می‌شود و اعتبار این کشور به شدت زیر سوال برده شده است هرچند که با کمک آمریکا هنوز از صدور قطعنامه در سازمان ملل علیه این کشور جلوگیری شده است.

- تحمیل هزینه‌های فراوان به عربستان؛

- فعال شدن گروه‌های تروریستی در یمن؛ گروه‌های تروریستی در یمن به شدت فعال شده‌اند، یعنی مناطقی که انصارالله به خصوص در جنوب یمن از آنها عقب‌نشینی کرد نظیر عدن و پنج استان جنوبی تقریباً تحت کنترل القاعده و داعش درآمده است. یعنی جایی که در واقع دولتی نظیر منصور هادی، بحاح و امثال آنها می‌

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

خواستند حضور پیدا کنند و نتوانستند در عرض یک هفته که آنها مستقر بودند عملیات انتحاری علیه آنها انجام شد و بنابر این مجبور به ترک عدن شدند. این یکی از عواملی بود که فشار را برای پایان دادن به جنگ سعودی علیه یمن پایان داد.

اما در مورد این که جنگ برای انصارالله و مردم یمن چه دستاوردی داشت، باید گفت:

- افزایش مقاومت مردم یمن

- شکستن هیبت عربستان سعودی چرا که این کشور در یمن و منطقه به دنبال یافتن هیبت و قدرتی بود که با مقاومت مردم یمن در هم شکست. اکنون برای عربستان جای سوال است که در طی یک سال حمله به یمن و تحمیل هزینه هنگفت و مواجهه با مشکلات فراوان هیچ گونه دستاورد ملموسی نداشته است.

- تثبیت انصارالله در یمن؛ سعودی‌ها در آخر مجبور شدند برای پایان دادن به جنگ با انصارالله، یعنی گروهی که به عنوان شورشی محسوب می‌کردند به مذاکره پردازند زیرا حال آن را به عنوان طرف اصلی جنگ می‌شناسند و حتی حاضر نیستند به عنوان طرف اصلی در جنگ با علی عبدالله صالح گفتگو کنند.

- تقویت حضور انصارالله در آینده سیاسی یمن؛ علاوه بر اینکه حضور انصارالله در یمن تثبیت شد، سهمش نیز در آینده سیاسی یمن قاعدتا محفوظ خواهد بود زیرا با شرکت در جنگ علیه سعودی و مدیریت بحران امکانپذیر خواهد شد.

اما در پایان باید گفت که برای هرگونه تصمیم‌گیری در یمن باید یک سری واقعیت‌ها را بپذیریم تا بتوانیم به نتیجه مطلوبی برسیم.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اول اینکه یمن کشوری است با قبایل مختلف و در نتیجه یک گروه خاص نمی تواند بر یمن حاکم باشد چه انصارالله باشد و چه کنگره و اصلاح، ... چه طرفدار سعودی و چه ضد سعودی. چون یمن یک جامه قبایلی و چندطایفه ای است و اساسا حکومتی باید بر آن حاکم باشد که بتواند همه را بسیج کند.

دوم اینکه همه گروه های یمنی باید در آینده یمن سهم داشته باشند و نمی شود هیچ حزبی را در آینده یمن حذف کرد.

سوم اینکه باید نفوذ عربستان سعودی در یمن را مد نظر داشت. «عبدالعزیز» دو وصیت به پسران خودش در مورد یمن داشت اول اینکه «خیر و شر ما از یمن می آید و اگر ما بخواهیم در عربستان قدرت بگیریم و اگر شری از سمت یمن سمت ما بیاید نمی توانیم آن را دفع کنیم و وصیت دوم اینکه تا حدی که می توانید باید یمن را ضعیف نگه داریم یمن باید برای شما کشوری ضعیف شده باشد.»

این سیاستی بوده که عربستان در طول چند سال گذشته دائما پیگیری کرده و توانسته آن را انجام دهد. بنابراین نباید عربستان را ناپدید کرده گرفت و اگر حکومت جدیدی شکل بگیرد ارتباط این حکومت با عربستان نیز باید تعریف شده باشد.

گزارش: جواد حیران نیا دبیر گروه خلیج فارس و پیمان یزدانی عضو گروه خلیج فارس